

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۸۲

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۲ تیر ۱۳۹۲، ۳ ژوئیه ۲۰۱۳

سردبیر عبدالکلپرینان

پیام تسلیت زندانیان سیاسی بند یک و دو زندان سنندج به خانواده افشین اسانلو

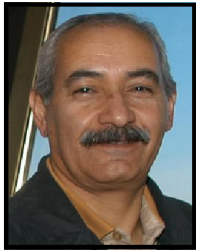


متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:
با درود به همه زندانیان و جان باختگان سرتا سر ایران که جان خود را فدای آرمان رهایی بخش از هر گونه ستم و ظلم کردند.

صفحه ۲

زندانیان سیاسی واقع در بند یک و دو زندان مرکزی سنندج طی نامه‌ای که در اختیار کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی قرار گرفت، درگذشت آقای افشین اسانلو را به خانواده وی تسلیت گفتند.

بیاد قربانیان فاجعه بمباران شیمیایی سردشت



عبدالکلپرینان

فجایع بس عظیمی را برای مردم هر دو کشور بسیار آورد که آثار و مشکلات مخرب آن هیچگاه از خاطره نسل امروز و زندگی نسلهای بعدی نیز زده نخواهد شد. یکی از آثار مخرب و ویرانگر این جنگ تهاجم بمب افکنهای عراقی به شهر سردشت بود که تعدادی از مردم این

صفحه ۴

در هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۶ نیروی هوایی عراق در جنگ با ایران در چهار نقطه پر از دحام شهر سردشت را مورد اثابت بمبهای شیمیایی قرار داد که در نتیجه آن ۱۱۶ نفر کشته و بیش از ۸ هزار نفر دیگر در معرض گازهای سمی قرار گرفته و مسموم شدند.

جنگ ۸ ساله ایران و عراق

شبحی که بر فراز جهان در گشت و گذار است تحولی که باید در افق دید



محمد آسنگران

جنبشهای اجتماعی علیه تبعیض، جنبش ضد کاپیتالیستی، جنبش و انقلاب علیه دیکتاتوری و... تمام این ترمها اکنون به رسانه ها، ژورنالیستهای نان به نرخ روز خور و سطحی و همه قلم به داستان و استادان دانشگاهی که تا دیروز وضع موجود را توجیه میکردند، و پیروز پایان تاریخ را اعلام کردند، تحمیل شده و نمیتوانند از کنار آن بگذرند. بسیاری از آنها ناچار شده اند که وانمود کنند در سمت درست تاریخ قرار گرفته اند. همین حد از تحول باید برای جنبش برابری طلبی کافی باشد که با اعتماد به نفس صد چندان به میدان بیایند.

صفحه ۲

این روزها بحث حول انقلابات و جنبشهای اجتماعی در کشورهای مانند ترکیه، مصر و برزیل و... دوباره سر باز کرده است. اکنون همه انقلابیون و چپها بعلاوه مردم ناراضی از وضع موجود میتوانند با افتخار و گردنی افراشته بگویند زنده باد انقلاب، زنده باد حرمت و منزلت انسانی.

سیرک سفر استانی احمدی نژاد به کردستان را با ناکامی روبرو کنید



نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

در سه دهه گذشته است. سفر این جنایتکار به شهرهای کردستان در هفته های پایانی دوره ریاست جمهوری اش ادامه سیرک و مضحکه ای است که تحت نام «سفرهای استانی» در ۸ سال گذشته انجام داده است. اخیرا سفر این جنایتکار و نماینده فاشیسم اسلامی در شهرهای آذربایجان و تبریز با عدم استقبال روبرو شد. مردم سنندج و شهرهای

صفحه ۴

به گزارش خبرنگار باشگاه خبر نگاران، محمود احمدی نژاد و محمد رضا رحیمی در ظرف ده روز آینده به شهرهای کردستان از جمله به سنندج، قروه و سروآباد سفر خواهند کرد. فعلا از سر ترس و به اصطلاح در باب «امنیتی کردن» این سفر تاریخ دقیق را اعلام نکرده اند. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور جمهوری اسلامی شریک جرم جنایات و کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی

طرح جمع آوری متکدیان! راهی برای پنهان کردن واقعیات



به حالت عجیبی روی زمین قرار داده بود و به نظر می آمد که از کار افتاده است. پای چپش را جمع کرده و کنار تیر برق پیاده رو نشسته بود.

پیرمردی حدودا هفتاد ساله بود. دو تا عصا، یکی چوبی و

صدایش گرفته بود، نفسش بند می آمد و دستهایش می لرزید. چینهای صورتش بصورت خطوط نامنظمی، چهره آفتاب سوخته و خسته اش را فرا گرفته بود. چشم هایش مثل کاسه خون سرخ بود. پای راستش را دراز کرده

یکی فلزی در سمت چپ و راستش دیده می شد که معلوم بود بدون صفحه ۳

صفحه ۵ **بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد ادامه انقلاب در مصر**

صفحه ۶ **زنده باد اعتراضات زنان علیه حکومت اسلامی!**

صفحه ۷ **مختصری از تاریخ یک دوره / عبدالکلپرینان / بخش شانزدهم**

صفحه ۸ **زندانیان سیاسی در زندان جان میبازند. جمهوری اسلامی مسئول است.**

صفحه ۸ **نامه مادر افشین اسانلو چند روز قبل از درگذشت افشین خطاب به دادستانی**

صفحه ۸ **آتش خشم کارگران کیان تایلر بار دیگر شعله ور شد**

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ شبی که بر فراز جهان...



زیرا سالها بود که کلمه "انقلاب" با خشونت همراه میشد. دموکراسی پارلمانی و حقوق بشری که طبق تعریف همین دولتهایی که اکنون مورد تعرض هستند پرچم این خیل بود. اما اکنون به قول رادیو فارسی زبان فرانسه "شبح جنبش‌های اجتماعی بر فراز جهان در گشت و گذار است". بله حق با گوینده این رادیو است بالاخره صدای پای این شیخ را در کشورهای "دمکرات" شنیدند. همان کسانی که از پایان تاریخ را میگفتند، همان کسانی که مردم را هیچ میگرفتند، همان کسانی که "اسلام میانه رو" را راه حل انقلابات در مصر و ایران و تونس میپنداشتند و دولتهای غربی آنرا حلو حلو میکردند، اکنون متوجه "خطر" شده‌اند. اما عمق این شبی که در گشت و گذار است، بسیار عمیقتر و پایه ای تر از آنچه میبینیم است که این دسته از ژورنالیست‌ها میخواهند تصویر کنند. پیش از همه اینها رئیس بانک مرکزی گوشش را روی زمین چسبانده و صدای این تحول را در اعماق شنید و به حاکمان و دولتهای یک در صدی هشدارش را داد.

روز شنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۱۳، جیم یونگ کیم - رئیس بانک جهانی، در یک مصاحبه گفت: "احتمال تداوم و گسترش آشوبهای اجتماعی در سراسر جهان وجود دارد. اویپش بینی کرد که از این به بعد هیچ کشوری از این جنبش‌های وسیع

نبودند اما علیه فقر به میدان آمدند. در غرب دموکراسی وجود داشت اما برای آزادی فریاد زدند.

در دنیای امروز فقر و جنبش علیه فقر را نباید با گرسنگی و شورش گرسنگان یکی پنداشت. در جایی مثل ترکیه و برزیل مردم هنگامیکه متوجه فاصله ثروت یک درصدیها با خود میشوند و سهم خود را از زندگی تنها معیشت بخور نمیر میبینند، هنگامیکه بی تأثیری نقش خود را در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن جامعه متوجه میشوند، وقتیکه حرمت و منزلت خود را له شده مشاهده میکنند، در شرایطی که قدری حاکمان و سرکوبگری پلیس و سگ و آخوند و کشیش را در مقابل خود میبینند و... جنبش خیابانی را آغاز میکنند. مردم ناراضی و حق طلب وقتیکه به خیابان می آیند و قدرت جمعیت و نیروی تأثیر گذار خود را میبینند با یک هماهنگی از پایین و نقش شهروندان و نه نخبگان دیده میشود، بلافاصله جنبش اجتماعی شکل میگیرد و نیروی تحول خواه توقعاتش بالا میرود. این همان شبی است که سیستم حاکم موجود را نه تنها در کشورهای دیکتاتور زده و اسلام زده بلکه در "مدرتترین" شکل آن یعنی نظامهای دموکراسی و بازار آزاد به چالش طلبیده است.

مردم دنیا و از جمله مردم کشورهای دیکتاتور زده و اسلام زده قبلا هم بی حقوق و در زندگی و تعیین سرنوشت جامعه بی تأثیر بودند. قبلا حتی بیشتر از امروز حرمت و منزلتشان بوسیله حاکمان له میشد. همین مردم تحت ستم و بیحقوق از امروز بی حقوق تر بودند. اما امکان ارتباط با همدیگر را نداشتند. رسانه‌های طبقات حاکم نقش مخربشان منحصر به فرد بود. تنها رسانه‌های آنها بود که حرف میزد و افکار عمومی را شکل میداد و میتربساند و صدها را و یا حتی آرزوها را در نطفه خفه میکرد. امروز دنیا وارد دوران دیگر و فاز دیگری شده است. تحولات این دوران انسان امروز را و زندگی بشر امروز را عمیقا تحت تأثیر قرار داده است. این اتفاق و یا بهتر بگویم این انقلابات و جنبشها حاصل دوران تازه و نقش انقلاب ارتباطات است. علت این تحولات در پایه ای

از صفحه ۱ پیام تسلیت زندانیان سیاسی...

در نهایت تاسف خبردار شدیدم که جناب آقای افشین اسانلو که در زندان رجایی شهر کرج که دوران حبس خود را به سر می بردند زندگی را بدرود گفته اند.

متأسفانه در این سالهای اخیر کسانی دیگری به دلیل عارضه مشابه و به دلیل کوتاهی مسئولین مربوطه جان باخته‌اند. مرگ این زندانی عقیدتی را می توان با اشاره به عدم شفافیت و پاسخگویی مسئولین و نهادهای مربوطه در این رابطه و نیز با یادآوری زنجیره‌ی بی پایان مرگ زندانیان سیاسی به خصوص در سایه عدم رسیدگی مناسب پزشکی؛ پر ابهام یا مشکوک خواند. در این سالهای اخیر در مناطق کردنشین و بخصوص زندانهای آن، کسانی زیادی به شیوه‌های مشکوکی و بدون دلیل جان خود را از دست داده‌اند.

بر همگان آشکار است که وضعیت امروزه در زندانهای کل ایران و بخصوص زندانهای کردستان بسیار وحشتناک و غیره قابل تصور میباشد.

در اینجا باید به این نکته مهم اشاره کنیم که متأسفانه هرساله تعدادی از زندانیان بدون هیچ دلیلی و در حالیکه در بازداشت مقامات امنیتی و انتظامی هستند یا رستم در زندان و در

ترین سطح همان تضادهای قبلی است. سیستم قبلی و فاصله طبقاتی و تضاد طبقاتی است. اما دلیل اینکه چرا امروز بشر میتواند در این ابعاد و با این توقعات وارد میدان بشود و یا چرا در ابعاد چند ده میلیونی مردم میتوانند هماهنگ به میدان بیایند؟ (به قول رسانه‌های رسمی و دولتی در آخرین یکشنبه ژوئن ۲۰۱۳ بیش از ۲۰ میلیون از مردم مصر به خیابان آمدند). تنها پاسخ میتواند این باشد که رسانه‌های جمعی از انحصار حاکمان خارج شده است. میدان ایفای نقش شهروندان بیش از همیشه مهیا شده است. بشر در طول تاریخ هیچوقت نتوانسته است به اندازه امروز با هم در ارتباط باشد و نقش آفرینی کند. نقش رسانه‌های اجتماعی و اینترنت

و... در زندگی بشر امروز چیزی نیست که بتوان حتی با چند سال قبل مقایسه کرد. کسی که این را نبیند هنوز در دنیای ماقبل این تحول زندگی میکند و از تاریخ عقب است.

قبلا وقتی که نقش رسانه‌ها و نقش شهروندان را تأکید کردم تعدادی از ته‌چاه‌هایشان بلند شد گفتند: نه اینطور نیست! رسانه چیزی نیست که این نقش را داشته باشد. و نقش شخصیتها را در تاریخ برای من یادآوری کردند. متوجه نبودند هنگامیکه شهروندان امکان ایفای نقش پیدا کنند شخصیتها دایره نفوذشان به اندازه نقشی است که در جنبش خود ایفا میکنند. متوجه نبودند که دوران شخصیتهای

از صفحه ۲ شبی که بر فراز جهان...



افسانه ای و کاریزماتیک رو به افول و پایان است. امروز دوره ایغای نقش مستقیم شهروندان تازه آغاز شده است.

آنچه امروز در یونان، پرتغال، مصر و ترکیه و برزیل و... میبینیم حلقه هایی از یک زنجیر میباشند که روزی تحت عنوان جنبش علییه دیکتاتوری در تهران به میدان می آید و روز بعد در تونس و بعدا در میدان التحریر مصر و امروز در میدان تقسیم ترکیه و بالاخره در مراکز و میادین برزیل و... اینها همگی پیکره یک جنبش و حاصل یک دوره از تاریخ بشر هستند و گشت و گذار این شبخ بر فراز جهان تازه آغاز شده است.

شبی که امروز بر فراز جهان سیر میکند بسیار عمیقتر و وسیعتر و آگاه تر از شبخی است که مارکس در اواخر قرن نوزدهم پیامش را ابلاغ کرد و گفت: "شبخی بر فراز اروپا در گشت و گذار است." امروز انقلابات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در دنیایی اتفاق میفتد که همگان کل این کره خاکی را به یک دهکده جهانی تشبیه میکنند. ساکنان این دهکده امروز نه تنها مثل گذشته با هم فاصله ندارند، بلکه در یک هماهنگی و همسرنوشتی عینی با یکدیگر در تماس دائمی هستند. هر حزب و فعال معترض و کمونیستی باید با وقوف به این تحولات به میدان بیاید. اگر کسی وارد این دنیا نشده باشد و ویژگیهای

شود. اینها اتفاقات بعد از انقلاب است. در این پروسه جدال جنبشهای اجتماعی و احزاب منبعت از آنها به نسبت وزن و قدرتی که دارند جامعه را به سمتی میبرند که میخواهند. سرنوشت این جدالها است که سرنوشت جامعه را تعیین میکند. به همین دلیل وزن نیروی اپوزیسیون و یا پوزیسیون تعیین میکنند که این دوران زود تر یا دیرتر به دوران تثبیت برسد.

ببینید یک نیروی مرتجعی مثل اخوان المسلمین در مصر به قدرت رسیده است اما هنوز نتوانسته اند آن جامعه را خفه کنند. زیرا بعد از رفتن مبارک تازه کشمکش گرایشات و جنبشهای مختلف سر باز کرده است. باید تعیین تکلیف بشود. ... اما یک چیز برای من فرض است که بعد از سرنگونی دیکتاتور جامعه پولاریزه میشود. در جایی مثل مصر و تونس جبهه مردم متحد و انقلاب « همه باهم» با سرنگونی مبارک و بن علی تمام شد. بعد از این مرحله بین طبقات و جنبشهای طبقاتی مختلف اختلافات سیاسی و طبقاتی برجسته میشود. جامعه

پولاریزه میشود. منفعت اخوان المسلمین ارتش اگر چه قبلا و در دوران مبارک علیه همدیگر بودند، در این مقطع میبینیم که به هم نزدیک میشوند و قدرتهای سرمایه داری جهانی و منطقه ای هم سعی میکنند این حاکمین را تقویت کنند. منافع مردم زحمتکش و طبقه کارگر و زنان در مصر در این چهار چوب نمیگنجد.

این جبهه سوم منافع دیگر و توقع دیگری از انقلاب داشت. افق و سیاست دیگری لازم دارد. اما متاسفانه نیروهای مرتجع بعد از مبارک دست بالا پیدا کردند و اکنون جامعه شاهد کشمکش و جدال جنبشها و منفعتهای مختلفی است که باید تعیین تکلیف بشود.

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

از صفحه ۱ طرح جمع آوری متکدیان...

وضعیت اسف بار نجات دهند؟ تحلیل و ارزیابی آنها از علل بروز اینگونه معضلات اجتماعی چگونه است؟

برای پاسخ به این سوالات و بسیاری از سوالات دیگر باید به عملکرد و نوع برخورد دولت به این معضل نگاه کرد و آن را مورد بررسی قرار داد. هدف از این نوشتار کوتاه تلاش برای یافتن پاسخ به این سوالات می باشد. به همین منظور در اینجا بطور خلاصه نوع عملکرد و برخورد شهرداری و شورای شهر مهاباد به این معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. از آنجا که "مشت نمونه خروار است" طبیعتا خواننده به نوع نگرش کل نظام جمهوری اسلامی و طرز برخوردش با اینگونه معضلات پی خواهد برد.

مدتی است که شهرداری مهاباد طرحی را در داخل شهر به نام "طرح جمع آوری متکدیان" به اجرا درآورده است. به همین منظور گروهی را با ماشین های ویژه برای پیش بردن این طرح مامور کرده است. کار این گروه به اینصورت است که روزانه در سطح شهر می گردند و فقرا و آدم های بیچاره ای را که در معابر و خیابان ها مشغول گدایی هستند دستگیر و جمع آوری می کنند. شهرداری مهاباد برای توجیه و توضیح این طرح اطلاعیه ای را صادر کرده است که در قالب پرورش و پوسترهایی در سطح شهر بر روی دیوارها نصب گردیده تا مردم را در جریان این طرح قرار دهد.



متن اطلاعیه ای که توسط شهرداری و شورای شهر مهاباد تنظیم شده است، مثل هر

آنها نمی تواند راه برود. نی لیبکی فلزی در دستانش بود و هر چند ثانیه یک بار آن را به دهان می گرفت و با نفس بریده بریده اش در آن می دمید و صدای غریبی از لای سوراخهای نی لبک بیرون می آمد و توجه عابرین پیاده را به خودش جلب می کرد. مشکل تنفسی داشت و این را میشد از صدای نی لبک تشخیص داد که هر چند ثانیه یک بار قطع می شد. نی لبک را از دهانش جدا می کرد و نفسی عمیق می کشید. نفسش را تازه می کرد و دست راستش را در حالیکه می لرزید به سوی عابرین دراز کرده و با آن صدای گرفته اش عاجزانه از آنها درخواست کمک می کرد. دوباره بعد از چند ثانیه نی لبک را به دهانش می گرفت و آهنگی دیگر می نواخت. این صحنه هرچند ثانیه یک بار تکرار می شد. انگار می خواست به مردم بفهماند که گدا نیست و در ازای پولی که می خواهد بگیرد برایشان نی لبک می زند. به محض اینکه یکی از عابرین اسکناسی به او می داد فوراً می گرفت و توی جیبش می گذاشت تا از دید ماموران طرح جمع آوری متکدیان! پنهان بماند.

متکدی (گدا)، اسمی است که در نظام جمهوری اسلامی روی این اشخاص گذاشته اند. کسانی که به دلیل فقر، تنگدستی، کهولت سن، بیکاری و... مجبور هستند جلوی انسان های دیگر دست دراز کرده و از آنها طلب کمک و یاری کنند. شهرداریها و ارگان های دولتی مربوطه این پدیده را یک معضل اجتماعی می نامند و در رسانه ها تاکید می کنند که باید آن را از میان برد. اما اینجا چند سوال اساسی مطرح می شود. آیا سازمان ها و نهادهای دولتی از چه زاویه ای به این معضل اجتماعی نگاه می کنند؟ آیا آنها از دیدگاه انسانی به این پدیده می نگرند؟ آیا آنها از طریق یک راه حل انسانی می خواهند این پدیده را از میان ببرند؟ آیا آنها برآستی می خواهند به این انسان های بیچاره و درمانده کمک کنند و آنها را از این

نگاه هفته

از صفحه ۱

قروه و سروآباد را فرا میخوانیم در مقابل سیرک سفر احمدی نژاد بایستند. و با عدم استقبال در نمایش هایی که مقامات مزدور جمهوری اسلامی در تدارک آن هستند، سیرک سفرهای استانی این رئیس جمهوری جنایتکار و عامل فقر و بدبختی و فلاکت معیشتی مردم در ایران را، ناگام کنند!

اجتماعی

تلفات جانی ناشی از ناامنی جاده ها هر روز ابعاد بیشتری به خود میگیرد. جاده ها در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به قتلگاه مردم تبدیل شده اند. عدم رعایت مقررات رانندگی و ایجاد ایمنی رانندگی نیز خود بخشی از عوامل ناامنی و تصادف در جاده ها میباشند. از دست دادن جان یک انسان در اثر ناامنی جاده و رعایت نکردن مقررات ایمنی رانندگی یک فاجعه است. ما مردم کردستان در ایران را فرامی خوانیم برای امن کردن جاده ها به جمهوری اسلامی و مقامات اداری فشار بیاورند که در راستای ترمیم و ایمنی کردن جاده ها به اقدامات فوری دست بزنند. مادام حاکمیت یک رژیم جنایتکار اسلامی در جامعه وجود دارد، و در این نظام ضد انسانی جان انسانها ارزشی ندارد. زندان و جاده و اتوبان به قتلگاه مردم تبدیل شده است. مردم شهرها و روستاهای کردستان را به ایجاد فضای امن در رانندگی نیز فرا میخوانیم!

تصادف جان ۵ کودک را گرفت!

۱۰ تیر: کشته شدن ۸ نفر که ۵ نفر آنان کودکان زیر ۵ سال بودند در حادثه برخورد یک دستگاه تریلی ماک و یک دستگاه تندر ۹۰ در استان کردستان بر اثر برخورد یک دستگاه تریلی ماک با یک دستگاه تندر ۹۰، در یک کیلومتر ۲۸ محور بانه به سقز در استان کردستان ۸ نفر از سرنشینان خودروی تندر ۹۰ جان خود را از دست دادند که ۵ نفر از آنان کودکان زیر ۵ سال بودند.

۹ تیر: تصادف مرگبار در جاده روانسر - کامیاران موجب مرگ دو جوان گردید.

در جریان این حادثه که جاده

روانسر - کامیاران نرسیده به روستای الکرخ داد، دو نفر موتورسوار به نام های معین و مهران ۲۰ ساله اهل روستای ماراب جان خود را از دست دادند.

تصادف

جان جوان ۲۱ ساله را گرفت.

۶ تیر: به علت وقوع حادثه در جاده "باوه دریز - نه نه له" سنندج سرنشین یک دستگاه موتور سیکلت جان خود را از دست داد. برپایه این گزارش، در جریان این حادثه "شجاع صادقی" ۲۱ ساله به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد و شخص دیگر نیز مجروح و به بیمارستان بعثت سنندج منتقل شد.

۹ تیر: متأسفانه "ربابه دل روشنائیان" مادر رفیق جانباخته "صدیق مظفری" معروف به "صدیق آری جی" در سن ۷۵ سالگی در شهر سنندج چشم بر جهان فرو بست. روز یکشنبه ۹ تیرماه پیکر مادر ربابه دل روشنائیان پس آنکه به علت سکنه قلبی در بیمارستان بعثت سنندج درگذشت در میان غم و اندوه فراوان خانواده، بستگان و جمعی از مردم سنندج در گورستان "بهشت محمدی" به خاک سپرده شد. به خانواده و وابستگان این مادر دلسوز تسلیت میگوییم. یاد عزیزش گرامی است.

کارگران استعمار عربان

برپایه گزارش دریافتی، اکثر کارفرمایان شهرک صنعتی شماره ۱ سنندج با اجبار کارگران را وادار به کار کردن به صورت کیلویی کرده و دستمزد آنان را براساس کیلو کاری محاسبه می کنند. برپایه این گزارش، این کارگران در روزهای تعطیل رسمی نیز بدون احتساب حقوق اضافی مجبور به کار می باشند و گاهی که جمعه ها سرکار نروند و یا در ایام مرخصی، هیچگونه حقوق و مزایایی شامل حال آنان نمی شود.

بی اطلاعی از وضعیت کارگر زندانی هیواغریبی

۱۰ تیر: به گزارش رسیده با گذشت حدود شانزده روز از دستگیری هیوا غریبی کارگر شرکت گاز سنندج هنوز خبری از او در

دست نیست. نام برده در جمعه ۲۴/۳/۹۲ توسط پلیس امنیتی در منزل خودش دستگیر شده و با وجود پیگیری های متعدد خانواده غریبی و مراجعه به ستاد خبری و دادگستری سنندج هنوز پاسخی در مورد وضعیت و علل دستگیری وی دریافت نکرده اند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

مرگ دلخراش یک کارگر در دستگاه سنگ شکن

براساس خبر دریافتی در تاریخ ۹ تیر کارگری به نام امجد چشمه سپی کارگر شرکت ساشا بتن سازنده بتن آماده و تیرچه و بلوک و قطعات بتنی در ۱۵ کیلومتری جاده کامیاران سنندج به داخل سنگ شکن افتاده و پس از انتقال به بیمارستان متأسفانه جان خود را از دست داد. این کارگر جوان ساکن روستای کانی کوه در ۱۰ کیلومتری جاده کامیاران کرمانشاه بود. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده و دوستان امجد چشمه سپی، عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیط های کار که ناشی از سودخواهی سرمایه داری است را عامل بروز این گونه حوادث می داند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۰ تیر ۱۳۹۲

معلمان

یک فعال صنفی معلمان در کردستان از تلاش دولت برای محدود کردن تشکل های صنفی معلمان انتقاد کرد. «پیمان نودینیان» در این باره به ایلنا گفت: نهاد های نظارتی در هشت سال گذشته برای غیر قانونی جلوه دادن فعالیت صنفی معلمان تلاش زیادی کرده اند اما معلمان با تاکید بر اصول مطرح در قانون اساسی از جمله اصل ۲۶ و ۲۷ پیگیر حقوق صنفی شان هستند. این فعال صنفی با انتقاد از تشکیل نظام معلمی اظهار داشت: در دوران ریاست جمهوری آقای خامنه ای، بحث تشکیل نظام معلمی مانند نظام پزشکی کشور مطرح بود که همان زمان هم به شدت با آن مخالف بودیم. نودینیان در پایان تصریح کرد: رفتن معلمان در قالب چنین نظام هایی، امکان نظارت تشکل های صنفی بر عملکرد دولت را از بین

بیاد قربانیان فاجعه بمباران...

از صفحه ۱



برند. جمهوری اسلامی هر سال در برگزاری مراسم های فرمایشی و نمایشی، به بهره برداری تبلیغاتی

از این فاجعه می پردازد. آنچه که برای این رژیم اهمیت ندارد و بدان اعتنائی نکرده و نمی کند، زندگی و سرنوشت خانواده قربانیان و همچنین سرنوشت هزاران بازمانده ای است که بر اثر این جنایت هولناک مصدوم و معلول شدند. زنان و کودکان بیشترین تلفات جانی و مصدومیت این فاجعه انسانی بودند. جمهوری اسلامی بعد از این رخداد ضد انسانی تا به امروز همچنان مردم مناطق مرزی بویژه مردم سردشت را به عناوین مختلف مورد اذیت و آزار و کشتار قرار می دهد. اگر بمباران شیمیایی رژیم بعث ۱۱۶ انسان را در سردشت قربانی سیاست جنگ طلبانه هر دو رژیم بعث و جمهوری اسلامی کرد اما در مدت کمتر از پنج سال صدها نفر از کارگران مرزی در این منطقه که برای تامین لقمه نانی برای خود و خانواده هایشان زحمت می کشند توسط نیروهای سروکوبگر این رژیم بقتل رسیده اند.

در بیست و ششمین سالروز بمباران شیمیایی مردم سردشت همزمان با ابراز انزجار و تنفر از خالقین این فاجعه انسانی، یاد عزیزان جانباخته این جنایت هولناک گرامی باد. تیرماه ۹۲

شهر قربانی جنگ افزارهای شیمیایی حکومت بعث عراق شدند.

در طول سالهای جنگ ایران و عراق مردم شهرهای ایران و بویژه مردم کردستان نه تنها مورد آماج حملات بمب افکنهای حکومت صدام حسین بلکه همزمان مورد تعرض نیروهای حکومت اسلامی نیز بودند. جمهوری اسلامی از ابتدا این جنگ را برکت الهی نام نهاد تا بر بستر آن هر گونه صدای آزادیخواهانه و برابری طلبانه ای را خفه کند. شروع جنگ ایران و عراق مصادف بود با موج اعتراضات وسیع مردم در تداوم انقلاب ۵۷ و ادامه این جنگ برای جمهوری اسلامی زمینه ساز سرکوب انقلاب مردم ایران بود. جمهوری اسلامی خشنود از برپا شدن این جنگ امید یی برای بقای حکومت خود یافت تا به بهانه آن به باز پس گیری دستاوردهای انقلاب مردم پرداخته و دست به کشتار و سرکوب بزند.

در طول این بیست و شش سال که از بمباران شیمیایی سردشت می گذرد حکومت اسلامی بجز مظلوم نمایی و تقدیس این جنگ ۸ ساله برای برانت جویی از جنایت خود، هیچ گونه کاری برای هزاران مصدوم و معلول بازمانده شیمیایی انجام نداده است. بعد از گذشت دو دهه و نیم هنوز هم بازماندگان این فاجعه انسانی از آنچه که بر سرشان آمد رنج می

می برد و آنها را به بخشی از بدنه بوروکراتیک دولت تبدیل می کند.

زندان و دستگیریها ۲ خاوهار و ۲ سال زندانی

دستگاه قضایی رژیم در شهر روانسر دو خواهر به نام های "غزال و پریسا احمدی" را به تحمل ۲ سال زندانی تعلیقی محکوم نمود. دادگاه

رژیم در روانسر این دو خواهر را که دارای تحصیلات عالیه هستند به اتهام "تبلیغ علیه نظام و همکاری با احزاب مخالف" محاکمه و محکوم کرده است.

رحمان حسین زاده، فعال فرهنگی ساکن بوکان برای اجرای حکم دادگاه به زندان رفت. بنا به صفحه ۵

بیانه حزب کمونیست کارگری در مورد ادامه انقلاب در مصر



توضیح: این بیانه در ماه فوریه سال جاری یعنی ۵ ماه پیش منتشر شد. آنچه امروز در مصر میگذرد و خیزش شورانگیز ۳۰ میلیونی مردم در سراسر مصر علیه دولت محمد مرسی و اخوان المسلمین، یک بار دیگر بر خطوطی که در این بیانه بیان شده، تاکید میکند.

۱ جولای ۲۰۱۳

بیانه حزب کمونیست کارگری در مورد ادامه انقلاب در مصر

یک سال پس از سرنگونی حسنی مبارک، انقلاب مصر باز به باریکدبندی خیابانی روی آورده است. این روزها همه کس حتی برخی رسانه های راست بورژوازی وقایع مصر را "انقلاب بی پایان" یا "انقلاب مداوم" خطاب میکنند. میدان التحریر دوباره مملو از جمعیت تظاهر کننده است. شهرهای بسیاری در حال تظاهرات دهها هزار نفره و مقابله با تانکها و گروهبانها و پلیس و اجیر شدگان مسلح لباس شخصی هستند. شور و التهاب انقلابی همه جا را فرا گرفته است. تاکنون شمار بسیاری از جوانان انقلابی توسط ضد انقلاب به قدرت خزیده کشته شده اند. مرسی و حکومت اخوانی ها در اسماعیلیه و سوئز و پورت سعید حکومت نظامی اعلام کرده است. و جوانان انقلابی با رقص و پایکوبی هزاران نفره در برابر تانکها و نیروهای تا دندان مسلح، مقررات منع رفت و آمد حاکمین را به سرخه میگیرند. همه چیز گویای اینست که انقلاب مصر با اعتماد به

نفس با دولت پوشالی مرسی مقابله میکند. وزیر دفاع مرسی این روزها گفت "اگر اوضاع به اینگونه ادامه یابد مصر (بخوان "دولت اخوان") سقوط خواهد کرد" و مرسی که به اروپا سفر کرده بود تا با جلوگیری از کارنامه ضد انقلابی خویش از قدرتهای غربی تقاضای سرمایه گذاری در مصر کند، نیمه کاره سرفش را لغو کرد و با نگرانی به مصر بازگشت.

آنچه این روزها در مصر میگذرد چیزی جز ادامه انقلاب نان و کرامت انسانی نیست. مردم مصر دیکتاتوری مبارک را با انقلاب خویش به زیر کشیدند تا جامعه ای مرفه و آزاد را برپا کنند. مردم مصر دیکتاتوری مبارک را به زیر کشیدند زیرا نمیخواستند و نمیخواهند یک اقلیت مفتخور بی خاصیت بر آنها حکومت کند. اما بازماندگان رژیم سابق در پشت سر جریان ارتجاع اسلامی اخوان المسلمین به راس ماشین حکومتی پریدند و تمام تلاششان را به کار انداختند تا با سرهم بندی یک انتخابات فرمایشی مردم را قانع کنند که انقلاب تمام شد و آنها را به خانه بفرستند. اما نتوانستند. انقلاب مصر با سرنگونی مبارک سکان جامعه را بلافاصله به دستگرفت. زیرا حزب و پلاتفرم روشن و رهبری شناخته شده و سراسری نداشت. اما در عین حال، انقلاب اجازه نداد که همچون سال ۵۷ ایران، دولت‌های بورژوازی غربی برایش رهبر و امام بترشند و انقلاب را مصادره کنند. برعکس در انقلاب

مصر اخوان المسلمین یک جریان کاملاً بی ربط به انقلاب است و از نظر مردم دشمن انقلاب شناخته میشود. اینها ناچار شدند اسمشان را عوض کنند. خود را سکولار و میانه رو معرفی کنند. اعلام کنند حکومت اسلامی ایران را قبول ندارند. و همین به اصطلاح "میانه روها" هستند که وقتی به قدرت خزیدند همچون ارتجاع اسلامی در ایران تقلا کردند قانون اساسی اسلامی را به مردم تحمیل کنند، زن را دنبالچه مرد تعریف کنند، آخوندهای الازهر را بعنوان نگهبانان قانون اساسی تعریف کنند و اکنون در پناه تانکهای ارتش مبارک و طنطاوی، جوانان انقلابی را کشتار میکنند. همه اینها یک بار دیگر بر این تاکید میکنند که نیروهای اسلامی در سیاست تفاوت اساسی ای با هم ندارند. همه سرتوت یک کرباسند. انقلاب مصر دارد با آزمون و خطا پیش میرود. اما روی کار آمدن اخوانی ها از خطاهایش نیست. مصر انقلابی از همان ابتدا به ارتجاع اسلامی روی خوش نشان نداد و نخواهد داد. اسلامیون علیرغم میل و خواست مردم انقلابی خود را تحمیل کردند. پیام امروز انقلاب به مرسی و "اخوان" این است: "ارحل"، گورتان را گم کنید! انقلاب تا سرنگونی مرسی و سلطه اخوانی ها بر ماشین دولتی ادامه می یابد.

جامعه مصر در دوره بسیار حساسی بسر میبرد. انقلاب فرجه ای مهم و تاریخی به کارگران و مردم این کشور داده است تا یک بار برای همیشه خود را از فرودستی رها کنند و جامعه ای دلخواه، جامعه ای مرفه و آزاد و بری از سرکوب و تبعیض را برپا کنند. این فرصت را بهیچ وجه نباید از دست داد. جبهه انقلاب فرصت ندارد تا تمام راه را با آزمون و خطا طی کند. تجربه انقلابات در کشورهای مختلف را باید مورد استفاده قرار داد. برای پیروزی انقلاب باید در قدم اول اهداف انقلاب را بروشنی تعریف کرد. باید متشکل بود و نیروهای انقلابی را سازمان داد و رهبری کرد. و این یعنی انقلاب به پلاتفرم روشن انقلابی و حزب انقلابی و رهبران و چهره های قابل اتکا و شناخته شده

از صفحه ۴

نگاه هفته

گزارش آژانس خبری موکریان یک منبع آگاه به خبرنگار موکریان در بوکان گفت: "رحمان حسین زاده" که طبق رای دادگاه تجدید نظر به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده بود روز چهارشنبه ۵ تیرماه ۱۳۹۲ جهت اجرای حکم خود را به دایره اجرای احکام، معرفی و سپس به زندان مرکزی بوکان منتقل شد. بر پایه همین گزارش "حسین زاده" پیشتر در دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شده بود. پس از اعتراض نامبرده به حکم صادر شده، دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی این حکم را به

عمیقاً نیازمند است.

انقلاب باید کل ماشین دولتی سابق را در هم کوبد و کنار بزند. باید کل قوانین سابق را ملغا اعلام کند. انقلاب باید بعنوان فوری ترین گامها، آزادی عقیده و بیان و تشکل و تجمع را حق بی چون و چرای همه شهروندان اعلام کند و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی را آزاد کند. انقلاب باید تامین رفاه و معیشت و مسکن و درمان را حق بی چون و چرای تک تک شهروندان اعلام کند. انقلاب باید مجازات اعدام را برای همیشه ملغا کند، زن و مرد را برابر اعلام کند، مذهب را از دولت و آموزش و پرورش رسماً جدا کند و دخالت مذهب را در قوانین و آموزش ممنوع اعلام کند. انقلاب باید اعلام کند که قدرت برتر جامعه تنها و تنها مردم متشکل در شوراهایشان هستند. بدون این اقدامات این احتمال کاملاً وجود دارد که در این یا آن پیچ تاریخی یک مشت انگل مفتخور وابسته به طبقات دارا نظیر همین ناسیونالیستها و بورژوا- سکولارها و لیبرالها که اکنون در صف مخالف اخوان المسلمین جای گرفته اند به کمک دولتهای سرمایه داری، به راس جامعه بپرند و همان وضع سابق را به مردم تحمیل کنند. نباید تردید داشت که اقدامات فوق و دست بردن به ریشه نابرابریها و ستمگریها تنها

و تنها از طبقه کارگر آگاه بر می آید که هیچ نفعی در تداوم سلطه اقلیت مفتخور بر جامعه ندارد.

حزب کمونیست کارگری ایران انقلاب مصر را یک تحول تاریخی مهم میدانند که تاثیر عمیقی بر سرنوشت کل مردم منطقه و جهان خواهد داشت و در ادامه خویش نیز برای همه مردمی که میخواهند در گوشه و کنار جهان خود را از شر سلطه اقلیت مفتخور و سرکوبگر خلاص کنند، بسیار آموزنده خواهد بود. در ایران همه کس تحولات مصر را با علاقه و نگرانی دنبال میکنند و مردم ایران پیروزی این انقلاب را امر خود میدانند و وسیعاً از آن پشتیبانی میکنند. ما تردیدی نداریم که پیروزی انقلاب مصر در دست یابی به جامعه ای انسانی و بدون تبعیض، بر مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی تاثیرات مثبت و مستقیم دارد. حزب کمونیست کارگری با تمام توان از مبارزه و انقلاب مردم مصر برای رهایی و دست یابی به جامعه ای انسانی پشتیبانی و دفاع میکند و برای جلب پشتیبانی هرچه وسیعتر از این انقلاب در سطح جهان فعالانه تلاش میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فوریه ۲۰۱۳

۱۳ بهمن ۱۳۹۱

زنده باد الهام اصغری! زنده باد اعتراضات زنان علیه حکومت اسلامی! چون برجستگی های بدنت بعد از شنا معلوم بوده، رکود را ثبت نمیکنیم!

از صفحه ۳ طرح جمع آوری متکدیان...



اطلاعیه ای که در ادارات و سازمانهای دولتی صادر می شود ، با حدیث و آیه و روایات شروع شده و با این روش ارتجاعی و سخیفانه سعی دارند از همان ابتدا ، برای کارهایی که می خواهند انجام بدهند توجیه مذهبی و شرعی پیدا کنند. شهرداری و شورای مهاباد با این اطلاعیه می خواهند به مردم بگویند افرادی که در داخل شهر گدایی می کنند به هیچ وجه فقیر و نیازمند نیستند و هیچ احتیاجی به کمک مردم ندارند و باید آنها را از سطح شهر جمع آوری کرد. در پایان اطلاعیه از مردم می خواهند که از گسترش تکلی گری و گدا پروری جلوگیری کنند! و هرجا متکدیان را دیدند برای دستگیری و جمع آوری آنها به شهرداری اطلاع دهند.

اما این افرادی که از آنها به نام متکدی یاد می شود چه کسانی هستند؟

اینها انسان های فقیر و تنگدست و بیچاره ای هستند که بنا به هر دلیلی زیر چرخهای این سیستم ضد انسانی له شده اند. اینها انسان هایی هستند که به علت سیاست های غلط این رژیم دچار گرسنگی و فقر شده اند. اینها کسانی هستند که مثل همه انسان های دیگر دوست دارند زندگی خوب و بدون دردسری داشته باشند. فکر نمی کنم هیچ آدمی روی کره زمین پیدا شود که بخواهد با گدایی زندگیش را بگذراند و از این کارش خرسند باشد و لذت ببرد. از هر زاویه ای و از هر دیدگاهی که به این مسئله نگاه کنید می بیند که این آدمها احتیاج به کمک و همدردی و همنوعان خود دارند و باید با آنها بصورت انسانی برخورد کرد و کمکشان کرد تا از این وضعیت اسف بار رهایی یابند.

اما طرز برخورد دولت در مقابل این اشخاص ، بسیار متفاوت است و بدور از هر گونه معیارهای انسانیست. از دیدگاه دولت ، همانگونه که مسئولینش بارها در مصاحبه ها و رسانه ها

پاسخ میدهند و شرکت در فعالیتهای دسته جمعی ورزشی را خود سازمان میدهند و این پاسخ زنان به محدودیت های اعمال شده از طرف حکومت اسلامی است . این بار حکومت قصد دارد يك زن موفق را وادار کند از این فعالیت ورزشی دست بکشد . این آخرین نمونه رفتار این جنایتکاران با زنان در ایران است و خوشبختانه با اعتراض الهام و تعداد زیادی مواجه شده و این اعتراض علنی اعلام شده است.

فتنه "جنبش برای رهایی زن" از این حرکت شجاعانه الهام دفاع میکند و از همگان دعوت میکند که از الهام اصغری بهر طریق ممکن دفاع کنند. باید با نهادهای مربوطه تماس گرفت و خواهان دخالت نهادهای بین المللی در این موضوع شد. باید علیه این رفتار شنیع حکومت اسلامی اعتراض کرد و باید رژیم ضد زن اسلامی را بیش از پیش در دنیا بدلیل این رفتار با الهام اصغری رسوا کرد.



<http://www.youtube.com/watch?v=W25hWnzmTWg>

الهام
"تسلیم حرف زور نمیخوم"

کند، بنا به گفته دوستان و اطرافیان، بعد از بهبودی نسبی او با تشویق دوستانش مجدداً تمرین ها را از سر میگیرد. این ورزشکار که نخستین دختر رکورددار شنا در آبهای آزاد ایران است، خردادماه رکورد شنای کراول سینه را در دریای خزر شکست، اما برای ثبت این رخداد مهم با مشکل جدید مواجه شده است!!

یکی از دوستان الهام به رادیو فرانسه چنین میگوید:

"او روز ۲۱ خرداد حدود ۱۸ کیلومتر را از ۵ و نیم صبح تا ۱۴ سی دقیقه در کنار ساحل به صورت رفت و برگشت شنا کرد تا مورد حمله نیروی انتظامی در کیش قرار نگیرد. اما وقتی برگشت تا رکورد خود را در فدراسیون ثبت کند، مرضیه اکبرآبادی معاون زنان سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی گفت چون او حجاب اسلامی نداشته است نمی تواند رکورد او را ثبت کند. اکبرآبادی شنا وجود ندارد و ثبت رکورد او نیز ممکن نیست. چون هنگام خروج از آب، لباس ها خیس بوده و به بدن او چسبیده است و «برجستگی های بدن» او مشخص شده، نمی تواند این رکورد را ثبت کند."

این روزها اعتراض يك زن جوان علیه محدودیت های ضد زن اسلامی ، توجه هزاران نفر را بخود جلب کرده است. او اولین دختر رکورددار شنا در آبهای آزاد در ایران است! بعد از حمله و زخمی کردن او و بعد از تحت فشار گذاشتن او برای دست کشیدن از این ورزش ، وقتی با حجاب اسلامی مورد نظر رژیم شنا کرده و رکود می شکند باز مانع ثبت رکود او میشوند و او اعتراض میکند.

الهام پاسخ میدهد "تسلیم حرف زور نمیخوم" و در طی چند روز ویدئویی را که منتشر کرده که هزاران نفر آنرا دیده و از الهام دفاع کرده اند. <http://www.youtube.com/watch?v=W25hWnzmTWg> خانواده اش میگویند:

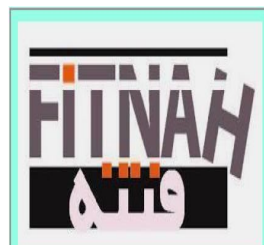
"او ۵ سالگی آموزش شنا را آغاز کرده و از ۱۷ سالگی به تدریس شنا پرداخته است و اکنون ۱۵ سال است که به صورت حرفه ای در این زمینه تدریس میکند."

او اولین رکوردش را در سال ۸۷ با شنای ۱۲ کیلومتر از نوشهر تا نور ثبت کرد. رکورد او با همین لباسی که اکنون دارد ثبت شده است. یعنی با لباسی که عملاً تحرک را از ورزشکار میگیرد.

در سال ۸۹ وقتی الهام قصد داشت دور تا دور جزیره کیش را در ظرف سه روز شنا کند ، در حالیکه ۵ کیلومتر شنا کرده بود ، قایق های نیروی انتظامی به او و همراهان حمله میکنند و الهام را بشدت زخمی میکنند.

رژیم از این دختر جوان ورزشکار میخواهد دست از ورزش شنا بکشد. الهام بر اثر این حمله وحشیانه و سبعانه مزدوران حکومت اسلامی تصمیم میگیرد از ورزش خدا حافظی

فتنه (جنبش برای رهایی زن)
۲۸ ژوئن ۲۰۱۳ برابر با ۲۸ خرداد ۱۳۹۲



میا احدی ۰۰۹۱۷۷۵۶۲۴۱۲
کوان طوبه ۰۰۴۲۷۸۶۱۴۶۶۸۶۹
مروم نغاری ۰۰۴۲۷۷۱۹۱۶۶۲۳۱

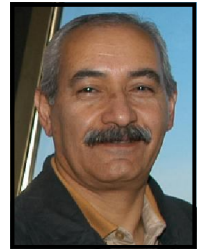
آرین بسنی

Maryam Namazie
B.M.BOX 1616, London WC1N1XX, UK
Email: fitnah.movement@gmail.com
Blog: <http://fitnahmovement.blogspot.com>
Website: www.fitnah.org
Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

۷/۴/۱۳۹۲

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش شانزدهم



عبدل گلپرین

صحبت من با سربازان شروع شد و به تبلیغ و ترویج مواضع و سیاستهای کومه له، فقر و مرارت مردم، سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی پرداختم. از شورای روستا درخواست کردم که برایشان چای و غذا تهیه کنند. پیدا بود که بشدت گرسنه هستند. تا قبل از رسیدن غذا روی بخاری سریعاً یک کتری چای آماده شد و برای گرم کردن خود ترجیح می دادند چای بخورند. هر هفت نفرشان بدور بخاری بشکل حلقه نشسته بودند. برای آنها کمی عجیب به نظر می آمد که چگونه من بعنوان یک معلم روستا اینگونه پر شور از مواضع کومه له برایشان صحبت می کنم؟ فواد دوسه روزی بود که دندانش درد میکرد و نمی توانست زیاد صحبت کند. یکی از سربازها پرسید ایشان هم معلم است؟ من جواب دادم که او هم همکار من است ولی دندانش درد میکند به این خاطر است که کمتر صحبت می کند. در جریان این گفتگوها اکثر اهالی روستا دور ما حلقه زده بودند و در حالیکه آنها خود را به بخاری نزدیک کرده بودند تا گرم شوند بحثها همچنان ادامه داشت. مردم هم هر از چند گاهی زیر چشمی بهم نگاه میکردند و لبخندی از سر رضایت بر لبانشان ظاهر می شد. در این لحظه تعدادی از اهالی برایشان غذا آوردند و سفره ای پهن کردند. از همه جور غذایی که در دسترس داشتند برای هر هفت نفر آورده بودند. یک کتری بزرگ چای هم روی بخاری آماده بود. به محض اینکه شروع به غذا خوردن کردند بهشان گفتم که باید بروم. اگر وقت کردم دوباره بهتان سر می زنم. بعد از



وداع با آنها من و فواد از مسجد خارج شدیم. تعدادی از اهالی روستا نیز ما را تا بیرون مسجد همراهی کردند. بعد از خروج از مسجد به منزلی که رفقایمان در آنجا منتظر بودند رفتیم. خلاصه وار آنچه را که در مسجد گذشته بود برای رفقا باز گو کردم. من و فواد نیز از قالب اهالی روستا خارج و لباسهای خودمان را پوشیدیم، اسلحه و فشنگ و غیره را بستیم. به رفقا گفتم قبل از خروج از روستا حالا بد نیست نیم ساعتی همگی مسلحانه وارد مسجد شویم و شما هم سربازها را ببینید ببینیم چه عکس العملی از خود نشان می دهند بعد به ماوریت خود ادامه خواهیم داد.

مردم هنوز به منازلشان بازنگشته بودند و از تصمیم ما برای رفتن مجدد به داخل مسجد مطلع شدند. برایشان جالب بود که با ورود ما به داخل مسجد، سربازان چه واکنشی نشان خواهند داد. همچنان تعدادی از مردم در مسجد حضور داشتند و ما همگی اما اینبار مسلح وارد مسجد شدیم. همه سربازان به محض دیدن ما بشدت ترسیده بودند و در حین غذا خوردن خشکشان زده بود. بظرف آنها رفتیم و با آنها به احوالپرسی پرداختیم. با دیدن رفقای زن متوجه شدند که ما کومه له هستیم. کنارشان نشستیم. وانمود کردیم که از حضورشان در مسجد بی اطلاع بوده ایم و برایشان تعریف کنند که اینجا چکار می کنند؟ بلافاصله چند نفر از آنها من و فواد را شناختند. یکی از آنها رو به من کرد و گفت شما معلم این روستا نیستید که چند لحظه قبل با

به کشتن دهی. حال که ما را دیده اید و برخوردهای ما را از نزدیک مشاهده کرده اید اکیدا ازتان می خواهم که از بازگشت به خدمت سر پیچی کنید.

شور و شوق عجیبی در نگاه سربازان خودنمایی می کرد. هنوز باورشان نمی شد که نیروهای مسلح کومه له اینگونه با آنها برخورد انسانی داشته اند. هنگام وداع با آنان روبروسی کردیم. یکی از آنها به من گفت: هیچگاه تا به این حد احساس امنیت نکرده بودم. خلاصه از مسجد خارج شدیم و با مختصر مواد خوراکی که مردم برایشان آماده کرده بودند در میان بدرقه گرم و روبروسی با آنها، حوالی ساعت دوازده شب در میان برف زیادی که باریده بود روستا را به مقصد دیگری برای ادامه ماموریت ترک کردیم.



حدود چهار ماه بعد یعنی دور دوم ماموریت ما در اواسط بهار بود که باز هم گذر ما به روستای هاله دره افتاد. اما اینبار نه در داخل روستا بلکه در یکی از مخفی گاههای اطراف روستا بودیم که یکی از اعضای شورا پیش ما آمد و بعد از دیدار و گپ زدن به من گفت که از شهر برایت بسته ای آمده است و گفته شده بدست تو برسانیم. او بسته را با خود آورده بود. ما کمی نگران شدیم که مبادا بسته انفجاری باشد چون رژیم این ترفند ها را بکار می برد و بسته های انفجاری برای مسئولین کومه له می فرستاد و

صحنه سازی هم اینگونه بود که نشان داده شود گویا از سوی خانواده این بسته فرستاده شده است. با توجه به رعایت کردن تمام نکات امنیتی و فرض گرفتن اینکه این بسته بدون شک بسته ای انفجاری است به باز کردن آن پرداختیم. خلاصه بسته را باز کردیم و آثار و علائمی مبینی بر انفجاری بودن در آن نبود. وقتیکه بسته را باز کردیم متوجه محتویات داخل آن شدیم که عبارت بود از یک دست کامل وسایل دندانپزشکی همراه با نامه ای در داخل آن. نامه را که خواندم متوجه شدم متعلق به یکی از سربازانی است که در ماجرای بالا اشاره کردم. متأسفانه بعدها نمی دانم آن نامه چه شد اما اگر در دسترس می بود می شد آنرا بعنوان سندی منتشر کرد.

تا جاییکه حضور ذهن دارم این سرباز نوشته بود که هیچگاه برخوردهای ما را در آن شب طوفانی که در میان برف گیر کرده بودند و تنها با اتکا به ما نجات پیدا کردند را فراموش نخواهم کرد. گفته بود چهار نفر از آنها که با هم روابط نزدیکتری داشته اند به خدمت سربازی برگشته اند و در میان مردم و اطرفیان خود از برخوردهای انسانی کومه له صحبت کرده اند که حقانیت با آنهاست نه جمهوری اسلامی. اما از سه نفر دیگر اطلاع نداشت. در خاتمه هم اضافه کرده بود که این هدیه را هم به این خاطر تهیه کرده و فرستاده ایم چون آنشب در مسجد روستا یکی از رفقای شما دندانش درد می کرد و شما امکانات دندانپزشکی در اختیار نداشتید و ما هم فکر کردیم چیزی برایتان بفرستیم که برای شما کارایی داشته باشد.

ادامه دارد



ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

<http://hekmat.public-archive.net/>

آتش خشم کارگران کیان تایر بار دیگر شعله ور شد

مسئولین شورای تامین استان در محل حاضر شدند و بدنبال مذاکراتی که صورت گرفت کارگران به تجمع خود پایان دادند و بطور قاطعانه ای اعلام داشتند تحت هیچ شرایطی کارفرمای سابق را به کارخانه راه نخواهند داد و چنانچه وزارت صنایع بدون توجه به خواست کارگران اقدام به اینکار کند دست به اعتراضات گسترده ای خواهند زد. حجم آتشی که امروز کارگران کیان تایر برپا کرده بودند به حدی بود که بدنبال پایان اعتراض کارگران، ماشینهای آتش نشانی اقدام به خاموش کردن آتش نمودند.

بدنبال اعتراضات گسترده کارگران کیان تایر در سالهای ۸۶ و ۸۷ کارفرمای این کارخانه خلع ید شد و از آزمون تاکنون اداره آن در اختیار سازمان حمایت از صنایع قرار دارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۱ تیر ماه ۱۳۹۲



اتحادیه آزاد کارگران ایران: بدنبال زمزمه واگذاری کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) به کارفرمای سابق آن، بار دیگر شعله های آتش از این کارخانه زبانه کشید و کارگران این کارخانه دست از کار کشیدند. در حال حاضر کارگران کیان تایر دستمزد خرداد ماه خود را دریافت نکرده اند و تولید در آن با کمبود مواد اولیه مواجه است. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه از مدتها پیش زمزمه واگذاری کارخانه به کارفرمای قبلی آن (شرفی) بالا گرفته است و اقدام اعتراضی از سوی کارگران، نامبرده دیروز در جلسه ای که با شرکت مدیران و مسئولین کارخانه و نماینده های کارگران در وزارت صنایع برگزار شده بود شرکت داشت که این امر خشم صدها کارگر این کارخانه را برانگیخت و آنان صبح امروز با دست کشیدن از کار اقدام به تجمع و آتش زدن لاستیک در محوطه درونی کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر کردند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران،

نامه مادر افشین اسانلو چند روز قبل از درگذشت افشین خطاب به دادستانی

قیمت بیرون است و وسیله خریدن وسایلی مانند کولر و یخچال و خرج های سنگین دیگر که فشار زیادی به ما خانواده های زندانی می آورد و تحملش واقعا سخت است و راه طولانی که تا زندان رجایی شهر باید هر هفته طی شود برای انسان توانی باقی نمی گذارد افشین ۲ فرزند دارد که مشکلات و مسائل آنها هم با من است و صبر و تحمل انسان را میبرد خواهش می کنم لطف نموده و به تقاضای مادری زجر کشیده اهمیت داده تا ایشان آزاد شود و خودشان به داد زندگی و بچه هایش برسد و باری از دوش من مادر برداشته شود.

متن فوق از روی فایل صوتی
پیاده شده است.



من مادر افشین اسانلو که چندین بار خواسته ام با شما دیدار داشته باشم و از وضعیت پسر که از پاییز ۸۸ در زندان به سر میبرد با شما صحبت کنم اما به من وقت نداده اند به خاطر همین با نامه مشکلات یک مادر که فرزندش در زندان است برای شما مسئول قضائی شرح میدهم پسر من چند سالی است که بیگناه و بدون دلیل در زندان به سر میبرد و امیدوارم لطف شما دادستان محترم شامل حال ما شود و در ماه مبارک رمضان ایشان را آزاد نمایند چون من مادر با وجود بیماریهای مختلف نه توان جانی درستی دارم و نه وضع مادی اجازه میدهد. چون با این مخارج سنگین زندگی و مخارج سنگینی که در زندان باید برای زندانیها متحمل شد از قبیل خورد و خوراک که ۲ برابر

خطاب به افکار عمومی جهانی، سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان زندانیان سیاسی در زندان جان میبازند. جمهوری اسلامی مسئول است. یک اقدام فوری جهانی ضروری است.

عرض يك هفته ۷ نفر از زندانیان در این زندان جانشان را از دست دادند.

در چنین شرایطی فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی برای پایان دادن به این وضعیت حیاتی است. آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی، پایان دادن به اعدام و شکنجه و بدرفتاری با زندانیان و اعزام هیئت های بین المللی برای بازدید از زندانها و بررسی مرگ افشین اسانلو و سایر زندانیانی که بشوهر مرموزی جانشان را از دست داده اند، خواست های بحقی است که از طرف زندانیان و خانواده های نگران آنها مطرح میشود. با یک فشار جهانی باید جمهوری اسلامی را وادار کرد که به خواست های زندانیان و خانواده هایشان تن بدهد. ما از افکار عمومی جهانی، از سازمانهای کارگری و از فعالین و نهادهای مدافع حقوق انسان تقاضا میکنیم ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی، این رژیم را تحت فشار قرار دهند که امکانات پزشکی مناسب در اختیار زندانیان قرار دهد، شرایط بهداشتی زندانها را بلافاصله بهبود دهد و زندانیان سیاسی و عقیدتی را فوراً آزاد کند. از نهادهای بین المللی میخواهیم که جمهوری اسلامی را تحت فشار جدی مبتلا هستند جلوگیری میکند. اما اکنون نگرانی زندانیان سیاسی از اقدامات توطئه گرانه مسئولین زندانها تشدید شده و حتی اعتمادی به داروهای که در زندان به آنان داده میشود ندارند.

اصغر کریمی
از طرف

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ ژوئن ۲۰۱۳

شرایط زندانیان "عادی" در زندان رجائی شهر از اینهم بسیار وخیم تر است. یکسال قبل تنها در

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!